

تبیین مؤلفه‌های شکل‌دهنده کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان (۱۹۷۲) در بستر زمان*

علمی مروری

محمدرضا محمودی قوژدی**

محمدحسن طالبیان***

رسول وطن دوست****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۷

چکیده

کنوانسیون میراث جهانی ۱۹۷۲ یکی از مهم‌ترین ابزار بین‌المللی حفاظت، شناسایی و مدیریت میراث مشترک بشریت است. این کنوانسیون نتیجه سال‌ها تلاش در عرصه بین‌المللی برای حفاظت از میراث مشترک بشریت است. از همین رو می‌توان گفت این کنوانسیون در بستر زمانی تحت‌تأثیر مؤلفه‌های مشخصی بوده که در نهایت منتج به شکل‌گیری آن شده است؛ مؤلفه‌هایی که شناخت آن‌ها به درک حقیقت کنوانسیون و سرانجام، سوگیری صحیح در اتخاذ سیاست مناسب در مورد آن کمک می‌کند. در مقاله حاضر سعی شده است تا با بررسی توصیفی تاریخی وقایع مرتبط با شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی در سه مقطع زمانی (ابتدای قرن ۲۰ تا شکل‌گیری جنگ جهانی اول، جنگ جهانی اول تا جنگ جهانی دوم و بازه زمانی بعد از جنگ جهانی دوم تا شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی در سال ۱۹۷۲) مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری آن شناسایی و تبیین شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که محور همه تلاش‌های منتج به شکل‌گیری کنوانسیون، حفاظت از میراث مشترک بشریت بوده است که در قلب این تلاش‌ها، شناسایی این میراث قرار داشته و این شناسایی آثار در بستر زمانی تحت‌تأثیر سه عامل تهدیدها، تعریف میراث و پیوند میراث فرهنگی و طبیعی قرار داشته است. همچنین بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد حفاظت از این میراث مشترک تابع سه مؤلفه بوده است؛ ساختارهای حفاظتی داخلی کشورها (اعم از قوانین و نهادها)، ارگان‌های بین‌المللی مرتبط با حفاظت و حمایت‌های بین‌المللی از آثار.

کلیدواژه‌ها:

کنوانسیون میراث جهانی، میراث مشترک، میراث فرهنگی، میراث طبیعی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان راهبردهایی برای انتخاب و ثبت آثار فرهنگی - تاریخی و طبیعی ایران در فهرست میراث جهانی با راهنمایی نویسندگان دوم و سوم در دانشگاه تهران است.

** دانشجوی دکتری مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

*** دانشیار، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، نویسنده مسئول، Mh.talebian@ut.ac.ir

**** استادیار، پژوهشگاه میراث فرهنگی، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

پرسش‌های پژوهش

۱. سیر شکل‌گیری کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان در بستر زمانی چگونه بوده است؟
۲. مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی کدام‌ها بوده‌اند؟
۳. ارتباط مؤلفه‌های شکل‌دهنده کنوانسیون با هم و کنوانسیون چگونه است؟

مقدمه

کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان^۱ در ۱۶ نوامبر ۱۹۷۲ در هفدهمین جلسه اجلاس عمومی یونسکو به تصویب رسید (UNESCO 1972). این کنوانسیون، عطف تلاش‌های مرتبط با حفاظت بود؛ زیرا به نظر می‌رسید سال‌ها تلاش برای شناسایی، حمایت و حفاظت از میراث مشترک همه بشریت در این کنوانسیون به نتیجه رسیده باشد. موضوع این کنوانسیون در وهله اول شناسایی و ثبت میراث مشترک بشریت (میراث فرهنگی و طبیعی) در قالب فهرست میراث جهانی و در وهله بعد، حمایت و حفاظت و مدیریت این میراث مشترک از طریق ابزارهای قانونی بین‌المللی است. این کنوانسیون از آن رو حائز اهمیت است که به مهم‌ترین ابزار ثبت و حفاظت از میراث طبیعی و فرهنگی جهان تبدیل شده است.^۲

در پنجاهمین سالگرد کنوانسیون میراث جهانی، شناخت مفاهیم مستتر در آن و علل پیدایش کنوانسیون، همچنان از اهمیت بسیار فراوانی برخوردار است؛ زیرا در حال حاضر ۱۹۴ کشور این کنوانسیون را پذیرفته یا آن را تصویب کرده یا به آن ملحق شده‌اند (URL_1). شکل‌گیری کنوانسیون با تمامی مؤلفه‌های آن در بستر زمانی مشخصی صورت پذیرفته که بیانگر تحولات و خواست‌های زمانی خود است، اما همه این مفاهیم از ابتدا بدین گونه مدنظر نبوده است و سیر شکل‌گیری آن‌ها نیز در بستری متفاوت از هم صورت پذیرفته است. درحالی‌که کنوانسیون زاینده تحولات زمانه خود است اما مؤلفه‌هایی بر شکل‌گیری آن مؤثر بوده که ماهیت و مفهوم کنوانسیون را شکل داده است؛ ماهیتی که همچنان در روح و متن کنوانسیون جاری است و تمام سازوکارهای مربوط به کنوانسیون نیز از آن نشئت می‌گیرد.

به همین منظور در پژوهش حاضر سعی شده تا با بررسی وقایع و تلاش‌های منتج به شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی در سال ۱۹۷۲، مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری کنوانسیون شناسایی شوند تا ماهیت آن به‌درستی درک شود. از همین رو هدف پژوهش حاضر شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی و تبیین ارتباط این مؤلفه‌ها باهم است. به‌منظور رسیدن به این هدف، وقایع تاریخی منجر به شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی از ابتدای قرن بیستم تا سال ۱۹۷۲ بررسی شده است. بررسی توصیفی تاریخی وقایع منتهی به شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی در سه برهه تاریخی بازه زمانی قبل از جنگ جهانی اول، بازه زمانی بین جنگ جهانی اول و دوم و بازه زمانی بعد از جنگ جهانی دوم انجام شده است.

اهمیت و ضرورت پژوهش نیز از دو منظر قابل بررسی است: اولاً شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی می‌تواند به درک و شناخت ماهیت کنوانسیون کمک بکند. این شناخت از ماهیت کنوانسیون در سوگیری سیاست‌های آتی در برخورد با کنوانسیون میراث جهانی و سیاست‌گذاری داخلی در خصوص سایت‌های میراث جهانی می‌تواند راهگشا باشد؛ ثانیاً از آنجا که موضوع پژوهش از جمله مباحث کمتر پرداخته‌شده در کشور است، با بررسی دقیق وقایع تاریخی منجر به شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی در پژوهش حاضر، امکان باز شدن فضایی برای توسعه گفت‌وگو مرتبط با ماهیت میراث جهانی را فراهم می‌کند. این توسعه گفت‌وگویی نیز از آن رو حائز اهمیت است که می‌تواند به ضعف‌های نظری در ارتباط با میراث جهانی در کشور بپردازد.

رویکرد پژوهش حاضر رویکردی توصیفی تفسیری است. بدین منظور با جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای، تمام منابع معتبر در خصوص شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی بررسی شده‌اند. برای بررسی عوامل شکل‌دهنده کنوانسیون میراث جهانی در بستر زمانی منتج به شکل‌گیری آن، دو دسته از منابع مورد بررسی قرار

گرفته‌اند؛ دسته اول منابعی هستند که به‌طور غیرمستقیم به موضوع شکل‌گیری حفاظت از میراث مشترک در عرصه بین‌المللی پرداخته‌اند، اما دسته دوم منابعی‌اند که مستقیماً شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی و عوامل و اتفاقات منجر به شکل‌گیری آن را بررسی کرده‌اند. بعد از بررسی توصیفی تاریخی وقایع منتج به شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی، مؤلفه‌های مؤثر با ابزار استدلال استنباطی از طریق بررسی بخش توصیفی، تحلیل و تبیین شده‌اند و در نهایت ارتباط همه مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری کنوانسیون تفسیر شده‌اند. به‌منظور بهره‌گیری از شیوه تبیین و تفسیر در مقام داور، پژوهش حاضر را می‌توان پژوهشی کیفی دانست (حیدری ۱۳۹۵، ۱۸۸).

۱. بستر زمانی منتهی به شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی

۱.۱. بازه زمانی قبل از جنگ جهانی اول: نخستین گام‌های شکل‌گیری حفاظت قانونی

رد پای اقدامات نوین در جهت حمایت از میراث را باید از اروپای دوره رنسانس و اقدامات بعد از آن جست. تخریب آثار دوره قرون وسطا در دوره رنسانس به‌سبب کم‌اهمیت دانستن آن دوره توسط معماران رنسانس، اولین واکنش‌ها نسبت به آنچه توسط معماران دوره رنسانس بر سر آثار دوره قرون وسطا می‌آوردند، صورت گرفت. این واکنش‌ها البته حساسیت‌ها را فراتر از آنچه باید می‌بود نشان داد، تا جایی که در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی حمایت‌ها از میراث فرهنگی، شکلی فاجعه‌بارتر به خود گرفت. مرمت سبکی که ویوله لودوک^۲، شینکل^۳ و اسکات^۴ راه انداختند، سبب واکنش‌های گسترده‌ای در میان جوامع اروپایی گشت (یوکیلهتو ۱۳۸۷). ویلیام موریس نیز به انتقاد از این مرمت سبکی پرداخت و انجمنی به اسم SPAB^۵ تأسیس کرد. این انجمن کار خود را با یک مانیفست آغاز کرد که در آن برای اولین بار، مسئله حمایت از آثار تاریخی را محدود به یک سبک خاص نمی‌دانست و همه آثار دارای ارزش را واجد حمایت می‌دانست (همان، ۲۰۴). اقدامات موریس و انجمن SPAB به اولین توجهات در جهت حمایت از میراث فرهنگی به‌عنوان میراث مشترک منجر شد. کارزار بین‌المللی SPAB برای حفظ میدان سن مارکو در ونیز در سال ۱۸۹۶م، که با همکاری شورای شهر لندن صورت پذیرفت، اولین نمونه از اقدام بین‌المللی در جهت حفظ میراث در خارج از مرزهای یک کشور بود (URL_2). مانیفست SPAB همچنین تأثیر زیادی بر منشورهای ونیز و بورا گذاشت (Hanna 2017).

البته اولین اقدامات قانونی در جهت حمایت از آثار تاریخی در سطح ملی در قرن ۱۹م شروع شد. این قوانین حمایتی که به‌صورت مستقل در کشورهای مختلف صورت می‌پذیرفت، مبنای شکل‌گیری حمایت‌های بین‌المللی از میراث مشترک جهان شد (یوکیلهتو ۱۳۸۷).

هم‌زمان با این نگرانی‌ها و اقدامات متعاقب بعدی، ششمین کنگره بین‌المللی معماران در سال ۱۹۰۴م در مادرید با نمایندگانی از اروپا، روسیه، ایالات متحده و مکزیک برگزار شد؛ در بند ۶ قطعنامه، اعضای کنگره ایجاد انجمن‌های مرمت در هر کشوری را پیشنهاد کردند که بتوانند در تدوین فهرستی عمومی از گنجینه‌های معماری همکاری کنند؛ اتفاق مشابه آنچه چند دهه بعد توسط یونسکو صورت پذیرفت (URL_3). در همین دوره یک جنبش صلح بین‌المللی در اروپا و امریکا پدید آمد که شامل تلاش‌هایی بود که به صلح‌جویی مذهبی، مداخله بشردوستانه و چندجانبه‌گرایی سیاسی می‌پرداخت. از طرف آن‌ها، جامعه جهانی مجموعه‌ای از معاهدات را تنظیم کرد که قوانین جهانی جنگ را برای محدود کردن ویرانی مشخص می‌کرد (Sandholtz 2007).

«پروژه اعلامیه بین‌المللی در مورد قوانین و آداب‌ورسوم جنگ ۱۸۷۴» (اعلامیه بروکسل) از اولین معاهداتی بود که به مسئله غارت پرداخت و علاوه بر بنای تاریخی، مجموعه‌ای نسبتاً گسترده از اشیاء فرهنگی را نیز در نظر گرفت. («Project of an International Declaration Concerning the Laws and Customs of War, Adopted» (by the Conference of Brussels, August 27, 1874. 1907). این تلاش‌ها (اعلامیه بروکسل) مبنای کنوانسیون لاهه راجع به جنگ زمینی و آیین‌نامه‌های آن شد که در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ به تصویب رسیدند. بسیاری از اعلامیه بروکسل را می‌توان در اعلامیه لاهه و دفترچه آکسفورد دید (URL_4). به هر روی مفاد اعلامیه بروکسل در کنوانسیون لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷م درج شد. در کنوانسیون لاهه ۱۹۰۷م پا فراتر از صرف احترام به آثار گذاشته شد

و به ساکنان محلی پیشنهاد شد تا برای جلوگیری از تخریب و به‌منظور شناسایی برای نیروهای درگیر، ساختارهای محافظت‌شده با علائم قابل مشاهده مشخص شوند. ("Hague (IX) Convention concerning Bombardment" 1907 (by Naval Forces in Time of War). در طول جنگ جهانی اول، تلاش‌های مختلفی برای حمایت از میراث فرهنگی (چه از سوی دولت و چه از طرف غیردولتی) صورت پذیرفت. در سال ۱۹۱۵م دو پیشنهاد در سوئیس و بلژیک برای ایجاد یک سازمان بین‌المللی، مشابه با صلیب سرخ مطرح شد که صرفاً به حمایت از آثار فرهنگی در زمان جنگ اختصاص می‌یابد. «فردیناند»^۷، استاد ادبیات از برن، پیشنهاد کرد که این سازمان جدید با نام Lacroixdor (صلیب طلایی) نام‌گذاری شود (Sandholtz 2007). در سال ۱۹۱۸م، انجمن باستان‌شناسی هلند گزارشی رسمی توزیع کرد که خواستار ایجاد یک سازمان بین‌المللی بود تا فهرستی از اماکن فرهنگی را که باید از بمباران یا حمله مصون بمانند، گردآوری و عمومی کند. همچنین پیشنهاد شده بود که برخی از مراکز شهرهای اروپایی مانند بروکسل^۸، فلورانس^۹، نورنبرگ^{۱۰}، آکسفورد^{۱۱}، پاریس^{۱۲}، رم^{۱۳}، روتنبرگ^{۱۴} و ونیز^{۱۵} از هرگونه فعالیت نظامی در آن‌ها ممنوع باشد (Elliott and Schmutz 2012; Sandholtz 2007, 117-118).

«پل ساراسین»^{۱۶} طبیعت‌شناس که مهم‌ترین تلاش‌ها را برای جهانی‌سازی حفاظت از طبیعت در مقیاس جهانی قبل از جنگ جهانی اول انجام داده بود؛ برنامه‌ای برای حفاظت جهانی از طبیعت در سال ۱۹۱۰م ارائه داده بود (WÖBSE 2011, 334). پل ساراسین متوجه شده بود که تلاش‌های پراکنده در جهت حفاظت از طبیعت بی‌فایده است و تمرکز بر این امر با دستیابی به توافق‌نامه بین‌المللی برای یکسان‌سازی قوانین موجود و هماهنگی اقدامات گسترده ملی برای حفظ جانوران و گیاهان که توسط تمدن تهدید می‌شوند، ضروری است. او که بنیان‌گذار پارک ملی سوئیس بود، توانست در سال ۱۹۱۳م اجلاس بین‌المللی با همکاری دولت سوئیس در برن برای ایجاد کمیسیون جهانی برای حفاظت از طبیعت تشکیل دهد (Bernard 1948, 3). کمیسینی که ساراسین بنا نهاد، به‌گونه‌ای طرح‌ریزی شده بود تا به‌عنوان سازمان علمی لابی‌کننده برای حفاظت جهانی از طبیعت عمل کند و اعضای آن شامل متخصصانی از نوزده کشور می‌شدند. مرکز دیدگاه‌های ساراسین دربارهٔ حفاظت جهانی، مفهوم اکولوژیک از «جامعهٔ زنده» بود؛ مفهومی که به همهٔ موجوداتی که در یک زیستگاه بر هم اثر می‌گذارند، اشاره دارد و به‌نوعی می‌توان گفت تمام موجودات یک زیست‌بوم را شامل می‌شود؛ دیدگاهی که بعدها توسط نهادهای مرتبط دیگر دنبال شد و سرانجام در کنوانسیون میراث جهانی شکلی قانونی به خود گرفت (Bont 2015, 219).

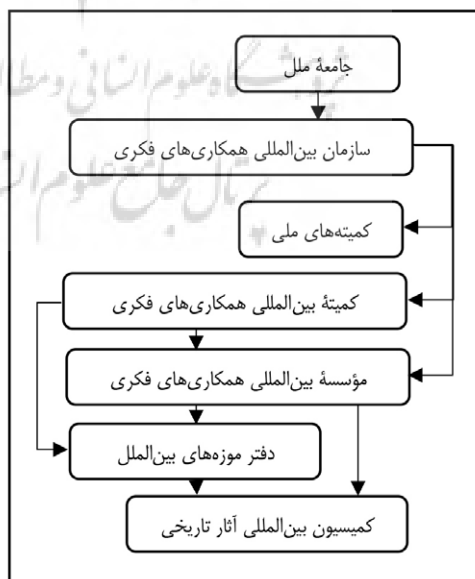
۲.۱. بازهٔ زمانی بین جنگ جهانی اول تا جنگ جهانی دوم: شکل‌گیری حمایت‌های بین‌المللی
پس از جنگ جهانی اول و تخریب‌های گسترده که در بسیاری از شهرهای تاریخی همچون لیر^{۱۷}، ویس^{۱۸}، دینانت^{۱۹} و آنتورپ^{۲۰} رخ داد، عملاً مشخص شد که تلاش‌های صورت‌گرفته در قبل از جنگ به‌دلیل حفاظت در مقیاس جهانی از آثار تاریخی نتوانسته بود این آثار را از تخریب‌های گسترده ناشی از جنگ نجات دهد (یوکیلهتو ۱۳۸۷). حرکت ناشی از این تلاش‌های بین‌المللی بعد از جنگ جهانی اول، شکل تازه‌ای در قالب نهاد جامعهٔ ملل^{۲۱} پیدا کرد که ساختاری پایدارتر بود (Elliott and Schmutz 2012).

۲.۱.۱. جامعهٔ ملل

گسترده‌گی تخریب‌های گسترده‌ای که از جنگ جهانی اول باقی مانده بود، سبب شد تا قدرت‌های بزرگ به فکر ایجاد نظام جدیدی در جهت تداوم صلح و امنیت بین‌المللی بیفتند. از همین رو دول حاضر در پیمان صلح ورسای ۱۹۱۹^{۲۲}، میثاق‌نامه‌ای همراه عهدنامهٔ صلح به امضا رساندند که پایه‌های شکل‌گیری جامعهٔ ملل را بنا نهاد (تویسرکانی ۱۳۸۴، ۶۲). با شکل‌گیری جامعهٔ ملل، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی زیر نظر جامعهٔ ملل به‌منظور نظم بخشیدن به روابط بین‌المللی و حل مسائل و مشکلات جامعهٔ بین‌المللی شکل گرفت. یکی از ارگان‌های مهم در خصوص فعالیت‌های فکری که به‌عنوان ارگان مشورتی جامعهٔ ملل فعالیت می‌کرد، در سال ۱۹۲۱م با عنوان «کمیتهٔ بین‌المللی همکاری‌های فکری (ICIC)^{۲۳}» به وجود آمد (League of Nations 1921). این کمیته که در زمینهٔ حفاظت از دارایی‌های علمی، مسائل کتابخانه‌ای، حفاظت از بناهای تاریخی، همکاری‌های بین موزه‌ای و کتابخانه‌ای، کپی‌رایت و... فعالیت داشت،

متشکل از افراد برجسته‌ای همچون «هنری برگسون»^{۲۴}، «آلبرت اینشتین»^{۲۵}، «ماری کوری»^{۲۶} و «پل والر»^{۲۷} بود؛ کمیته‌ای که بعدها با شکل‌گیری سازمان ملل جای خودش را به یونسکو داد (Vukotic 2016). در ابتدای شکل‌گیری کمیته بین‌المللی همکاری‌های فکری، یکی از اعضای مهم آن یعنی هنری برگسون، ایده بلندپروازانه خلق یک رژیم بین‌المللی یکپارچه حفاظت از آثار باستانی از سمت این کمیته را ارائه داد. پیشنهاد اولیه او اساس یکی از اولین قطعنامه‌های کمیته بود: «توافق بین‌المللی برای اکتشاف آثار و انتشار نتایج، مصوب ۱۹۲۲م» (Melman 2020, 49). این قطعنامه اهدافی را دنبال می‌کرد که می‌توان گفت اولین گام‌های بین‌المللی در جهت حفاظت از آثار تاریخی در قالب ابتکارات نهادی بین‌المللی بود؛ اهدافی که مشابه آن را می‌توان در کنوانسیون ۱۹۷۲م دید؛ اهدافی از قبیل تهیه فهرستی از ثروت‌های باستانی به‌گونه‌ای که تاکنون مشخص نشده‌اند، و پایه‌ریزی قوانین بین‌المللی در ارتباط با حفاظت و انتقال مالکیت آثار باستانی. در این توافق‌نامه همچنین به اتخاذ قوانین جامع در سطح ملی برای حفاظت از آثار تاریخی اشاره و بر حفاظت از آثار در برابر زندگی مدرن تأکید شده است (League of Nations 1923, 63). اگرچه این اقدام فقط مدتی پس از جنگ مورد توجه قرار گرفت، پایه‌گذار تمرکز بر روی اهمیت همکاری‌های بین‌المللی در موضوع حفاظت از میراث فرهنگی توسط جامعه ملل بود.

مهم‌ترین گام‌های کمیته بین‌المللی همکاری‌های فکری در زمینه حفاظت از میراث مشترک هنگامی شکل گرفت که مؤسسه بین‌المللی همکاری‌های فکری (IIIC)^{۲۸} به‌عنوان ابزار اجرایی کمیته در سال ۱۹۲۶م تأسیس شد. این مؤسسه که با تلاش وزیر آموزش فرانسه شکل گرفته و در پاریس مستقر بود، مبدأ تمام فعالیت‌های مرتبط با حفاظت در سطح بین‌المللی در آن سال‌ها بود (League of Nations 1930, 9). از سویی در همان سال‌ها، در جلسات اولیه کمیته فرعی ادبیات و هنر جامعه ملل در سال ۱۹۲۵، «هنری فوسیلون»^{۲۹} مورخ بزرگ هنر، ایده تأسیس دفتر موزه‌های بین‌المللی (IMO)^{۳۰} را مطرح کرد؛ ایده‌ای که در نهایت با تصمیم کمیته بین‌المللی همکاری‌های فکری جامعه ملل در سال ۱۹۲۶م عینیت بخشیده شد و دفتر موزه‌های بین‌المللی ایجاد و دبیرخانه آن در مؤسسه بین‌المللی همکاری‌های فکری (IIIC) در پاریس مستقر شد (Mairesse 1999, 25). همکاری دفتر موزه‌های بین‌المللی و مؤسسه بین‌المللی همکاری‌های فکری سرآغاز فعالیت‌های مرتبط با حفاظت در قالب نهاد جامعه ملل در طی سال‌های ۱۹۲۶م تا جنگ جهانی دوم بود.^{۳۱} این فعالیت‌ها به شکل‌گیری اجلاس‌های بین‌المللی به‌منظور حفاظت از میراث فرهنگی منجر شد.



تصویر ۱: چارت نهادی سازمان بین‌المللی همکاری‌های فکری و نهادهای زیرمجموعه آن

جدول ۱: اقدامات مهم دفتر موزه‌های بین‌الملل از زمان تأسیس تا شروع جنگ جهانی دوم در ارتباط با موضوع حفاظت از آثار تاریخی در سطح بین‌المللی

موضوع	سال	اقدامات
مطالعه روش‌های علمی برای آزمایش و حفاظت کارهای هنری (Jokilehto 2011, 3)	۱۹۳۰	اجلاس بین‌المللی کارشناسان رم
بررسی و مشکلات مربوط به حفاظت و حفظ آثار هنری و تاریخی (منشور آتن) (URL_5)	۱۹۳۱	اجلاس آتن
تهیه یک مقاله درباره موزه‌شناسی روز به‌عنوان راهنمای موزه‌داران (Titchen 1995, 22)	۱۹۳۴	اجلاس مادرید
کمیسیون مرتبط با حفاظت آثار تاریخی منتج از منشور آتن	۱۹۳۵	ایجاد کمیسیون بناهای تاریخی
درباره کاوش محوطه‌های باستانی (همان، ۲۵)	۱۹۳۷	اجلاس بین‌المللی قاهره
درباره بازگرداندن آثار تاریخی دزدیده‌شده به کشور مبدأ (همان، ۲۶)	۱۹۳۳-۱۹۳۷	پیش‌نویس کنوانسیون حمایت از مجموعه‌های هنری و تاریخی ملی

۱.۲.۲. منشور آتن

مهم‌ترین اجلاسی که دفتر موزه‌های بین‌الملل در سال ۱۹۳۱ م برگزار کرد، اجلاس بین‌المللی برای بررسی مشکلات مربوط به حفاظت و حفظ آثار هنری و تاریخی بود که عموماً با عنوان اجلاس آتن شناخته می‌شود. براینکه این اجلاس منشوری بود برای مرمت بناهای تاریخی، و هفت قطعنامه را تصویب کرد که بر جنبه‌های گوناگون حفاظت از اثر تاریخی تأکید می‌کرد؛ از جمله گسترش مفهوم وسعت یک اثر از بنا به محوطه‌های پیرامون آن و همچنین در بخش سوم آن، در خصوص «تقویت زیبایی‌شناسی باستانی» به چهره کلی سایت‌ها و محدوده مناظر اطراف آن‌ها می‌پردازد. از همه مهم‌تر، در این منشور به شکل‌گیری همکاری‌های بین‌المللی در قالب ایجاد نهادهای بین‌المللی با هدف مرمت و حفاظت اشاره می‌کند. همچنین در «بخش هفتم آن» به مفهوم جهانی میراث‌فرهنگی اشاره می‌کند (URL_5).

در همان زمان، تلاش‌های مستقلی (خارج از جامعه ملل) برای شکل‌گیری حمایت از میراث‌فرهنگی در قالب تهیه فهرست از میراث هر کشور به‌منظور حفاظت از آن‌ها در زمان جنگ شکل گرفت که به پیمان روئریج^{۳۳} مشهور بود (Elliott and Schmutz 2012).

عمده فعالیت‌های مرتبط با حفاظت از طبیعت بعد از جنگ جهانی اول توسط هر کشور، جداگانه صورت پذیرفته بود، اما درک روزافزون توسعه نهادهای بین‌الملل در خصوص حفاظت از طبیعت در همه این کشورها در طی سال‌های بین دو جنگ، گسترش پیدا کرده بود. اقدامات صورت گرفته بر اساس افکار حفاظت‌گر هلندی، «پیتر گبراند ون تینهون»^{۳۴} - که منجر به تأسیس سازمان بین‌المللی به نام «دفتر بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IOPN)»^{۳۴} شد - و تأسیس کمیته آمریکایی برای حفاظت بین‌المللی حیات وحش توسط «هارولد جی کولیج»^{۳۵} نمونه‌هایی از تلاش‌های گسترده در جهت ایجاد سازوکاری بین‌المللی در جهت حفاظت از طبیعت بود؛ تلاش‌هایی که سال‌های بعد پایه‌گذار اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN)^{۳۶} شد (Talbot 1983, 3). از سویی در کنار این فعالیت‌ها که به‌صورت جداگانه و مجزا در قالب سازمان‌های غیردولتی صورت می‌گرفت، جامعه ملل نیز به‌دلیل فشارهای سازمان‌های غیردولتی و مسائل محیط‌زیستی همچون قانون شکار نهنگ‌ها و آلودگی نفتی دریاها، درگیر مسائل حفاظت محیط‌زیست شده بود. کمیته بین‌المللی همکاری‌های فکری جامعه ملل (ICIC) شروع به تجزیه و تحلیل «وضعیت زیبایی طبیعت» در سطح جهانی نمود تا به‌نوعی تلاشی در جهت استانداردسازی و ایجاد ذخایر صورت پذیرد. همه این تلاش‌ها در جهت یافتن موضوعات مرتبط با حمایت از هویت بشر و میراث مشترک بود؛ اما تلاش‌ها برای درک حفاظت از طبیعت به‌عنوان یک مسئله در سیاست برای ایجاد توافق و به وجود آوردن چهارچوبی منظم در این دوره راه به جایی نبرد (WÖBSE 2011, 335).

۱.۳. اقدامات بعد از جنگ جهانی دوم: ۱۹۴۵-۱۹۷۲

جنگ جهانی دوم همراه با تخریب‌های گسترده، بسیاری از سازمان‌های بین‌دولتی و تلاش‌های صورت‌گرفته در قبل از جنگ را دستخوش تغییر کرد. در طی این جنگ بسیاری از مراکز شهرهای تاریخی اروپا به‌طور کامل تخریب شد و بسیاری از آثار واجد ارزش مورد هجوم و غارت قرار گرفت. برای مثال شهر ورشو^{۳۷} در دو نوبت مورد حمله قرار گرفت و در پایان جنگ ۸۵ درصد شهر به‌طور کامل تخریب شد. این مسئله را می‌توان در شهر درسدن^{۳۸} نیز مشاهده کرد؛ شهری که مرکز فرهنگی و اجتماعی آلمان از قرن هفدهم میلادی بود و در اثر حمله هوایی متفقین تقریباً به‌طور کامل تخریب شد (Albert and Ringbeck 2015).

حجم وسیع تخریب‌ها و عدم کارکرد نهادهای بین‌دولتی در دفاع از میراث فرهنگی و حتی صلح، باعث شکل‌گیری نهادهای جدیدی از دل نهادهای قبل از جنگ شد. جامعه ملل جای خود را به سازمان ملل متحد (UN) و سازمان بین‌المللی همکاری فکری نیز جای خود را به سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) داد. بسیاری از برنامه‌هایی که تا قبل از جنگ توسط سازمان همکاری‌های فکری دنبال می‌شد، توسط یونسکو نیز پی گرفته شد (Meskell 2013, 485)؛ البته از همان ابتدای شکل‌گیری یونسکو بود که زحمه‌های حمایت از میراث مشترک بشریت به گوش می‌رسید. این موضوع را می‌توان در اساسنامه یونسکو دید^{۳۹} (URL_6). اولین سازمان بین‌المللی که در خصوص میراث فرهنگی بعد از جنگ شکل گرفت، شورای بین‌المللی موزه‌ها (ایکوم)^{۴۰} در سال ۱۹۴۶م در پاریس بود (Duedahl 2016, 280).

از سویی در اواخر دهه ۱۹۴۰م، جنبش‌های محیط‌زیست نیز قدرت چشمگیری گرفتند که ماحصل آن ایجاد اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUPN، بعداً IUCN) در ۱۹۴۸م بود (Cameron and Rössler 2013).

دو اقدام یونسکو، یکی شکل دادن به کنوانسیون حمایت از اموال فرهنگی در هنگام بروز درگیری مسلحانه که به کنوانسیون لاهه نیز شناخته می‌شود و دیگری، ایجاد کمپین نجات آثار دوره نوبیان مصر که با همکاری بین‌المللی گسترده صورت گرفت، نشانه‌های شروع دوره‌ای نوین از حفاظت را ظاهر ساخت.

کنوانسیون حمایت از اموال فرهنگی در هنگام بروز درگیری مسلحانه (کنوانسیون لاهه) که در سال ۱۹۵۴م به تصویب یونسکو رسید، اقدامی در جهت تکمیل کنوانسیون مشابه ۱۹۰۷م بود. در این کنوانسیون و در مقدمه آن به‌صراحت به ایده میراث فرهنگی مشترک جهان اشاره شده است (UNESCO 1954). اگرچه این ایده جدید نبود زیرا قبل از آن در منشور آن هم دیده می‌شد، نخستین بار بود که حداقل بعد از جنگ به‌شکل قانونی عینیت بخشیده شده بود. با وجود این، این کنوانسیون نتوانسته بود یک سیستم مؤثر از حمایت بین‌المللی را تأسیس کند و حتی از تنظیم لیست معنادر از اماکن ویژه محافظت‌شده و بناهای تاریخی همان‌طور که انتظار داشت، کوتاهی کرد (Francioni 2008).

اما مهم‌ترین گام در دهه پنجاه میلادی، کمپین نجات آثار دوره نوبیان، معابد ابوسمبل و فیلی در دره نیل از سیل ناشی از ساخت سد بزرگ اسوان بود که با مدیریت یونسکو و مشارکت بین‌المللی صورت پذیرفت. در این کمپین، ۵۰ کشور یک پروژه ۸۰ میلیون دلاری را برای جمع‌آوری معابد، انتقال آن‌ها به زمین خشک و مجدداً ساخت آن‌ها تأمین مالی کردند (Duedahl 2016). این اولین گام عملی برای عینیت بخشیدن به ایده میراث مشترک بشریت بود که سبب شد پرستیژ یونسکو را برای رهبری چنین اقداماتی نشان دهد. موفقیت این تلاش‌ها الهام‌بخش کمپین‌های بعدی برای نجات ونیز از سیل در سال ۱۹۶۵، احیای معبد بودایی Brobdud (اندونزی) در آغاز سال ۱۹۷۲م و محافظت از ویرانه‌های باستان‌شناسی موهونجودارو (پاکستان) بود که از سال ۱۹۷۴م آغاز شد (Elliott and Schmutz 2012, 50-51).

در دهه پنجاه میلادی شکل‌گیری مرکز بین‌المللی حفاظت و مرمت اموال فرهنگی (ایکروم)^{۴۱} (۱۹۵۴م) نمونه‌ای از نقش محوری یونسکو در شکل دادن و کمک به این نهادهای بین‌المللی برای حفاظت از آثار تاریخی در سطح بین‌المللی بود (Duedahl 2016). در همین حال، یونسکو به تدوین معاهدات و توصیه‌نامه‌های بعدی از جمله «اصول بین‌المللی

قابل اجرا در کاوش‌های باستان‌شناسی» (۱۹۵۶م) (UNESCO 1956)، «مؤثرترین روش برای ارائه موزه‌ها در دسترس همگان» (۱۹۶۰م) (UNESCO 1960)، «حفاظت از زیبایی مناظر و اماکن» (۱۹۶۲م) (UNESCO 1962)، «راه‌های منع و جلوگیری از صادرات، واردات و انتقال غیرقانونی اموال فرهنگی» (۱۹۶۴م) (UNESCO 1964) و «حمایت از اموال فرهنگی در معرض تهدید توسط کارهای دولتی و خصوصی» (۱۹۶۸م) (UNESCO 1968) ادامه داد که همگی در جهت قانونی کردن حمایت‌ها از میراث فرهنگی در سطح بین‌الملل بودند.

اما یکی از مهم‌ترین اقدامات یونسکو در دهه شصت میلادی، مشارکت فعالانه و کمک به برگزاری دومین نشست کنگره بین‌المللی معماران و متخصصان بناهای تاریخی بود که در سال ۱۹۶۴ در ونیز با حضور بیش از پانصد شرکت‌کننده برگزار شد. نتیجه این کنگره، منشور ۱۹۶۴ ونیز بود که پایه بسیاری از کنوانسیون‌ها، منشورها و توصیه‌نامه‌های بعدی در امر حفاظت از آثار تاریخی شد. همچنین در این نشست تصمیم مهمی برای شکل‌گیری نهادی با نام شورای بین‌المللی بناها و محوطه‌های تاریخی (ایکوموس)^{۳۲} اتخاذ شد که سال بعد یعنی در سال ۱۹۶۵م در ورشو، کار آن رسمیت پیدا کرد؛ نهادی که بعدها به‌عنوان بازوی مهم کنوانسیون ۱۹۷۲ عمل کرد (Titchen 1995, 52). همانند منشور آتن مفهوم میراث جهانی نیز در مقدمه منشور ونیز اشاره شده است (ICOMOS 1964).

۲. شکل‌گیری کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان

اتفاقات و وقایع شکل‌گرفته در قبل از جنگ جهانی دوم و تلاش‌های گسترده جهانی برای حفظ ارزش‌های مشترک از سویی و تخریب‌های گسترده شهرهای تاریخی بعد از جنگ به‌منظور توسعه و از بین رفتن مناظر طبیعی به‌خصوص در دهه پنجاه میلادی به بهانه مدرن‌سازی و تأمین امکانات شهری و از بین رفتن بسیاری از روستاها در این برهه، بسیاری از فعالان، چه در حوزه محیط‌زیست و چه فعالان فرهنگی را به فکر حفظ ارزش‌های مشترک به‌صورت یک پیمان بین‌المللی انداخت. شکل‌گیری این پیمان در سال ۱۹۷۲م که ماحصل چندین سال تلاش و تجربه در امر همکاری‌های بین‌المللی بود، تجربه‌ای بود که ابتدا به‌صورت مستقل توسط سه جریان تا اوایل سال ۱۹۷۰ پی گرفته شد. ابتکارات در حوزه فرهنگی با یونسکو جلو می‌رفت، ابتکارات در حوزه طبیعی و محیط‌زیست توسط IUCN پی گرفته می‌شد و از سویی آمریکایی‌ها ایده «اتحادیه میراث جهانی»^{۳۳} را مطرح کرده بودند. اتفاق عجیب آن بود که تا اوایل سال ۱۹۷۰ هیچ‌یک از آن‌ها از ایده دیگری باخبر نبود.

۲.۱. پیگیری ابتکارات حوزه محیط‌زیست و طبیعی با IUCN

IUCN به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی محیط‌زیست که با حمایت یونسکو در سال ۱۹۴۸ تأسیس شده بود، توجهات خود را به استفاده دقیق و حفاظت از منابع طبیعی معطوف کرده بود. یکی از اهداف IUCN ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در جهت حفاظت از طبیعت بود (Elliott and Schmutz 2012). منشأ تلاش‌های بین‌المللی برای حفاظت از مناطق زیست‌محیطی را می‌توان به پیشنهاد IUCN در سال ۱۹۵۸م به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (ECOSOC)^{۳۴} برای ایجاد فهرستی از مهم‌ترین پارک‌های ملی جهان و ذخایر معادل آن دانست (Gillespie 2008, 111). با تأیید مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۲م، اولین لیست سازمان ملل متحد از مناطق حفاظت‌شده و ذخایر معادل توسط IUCN تهیه و در همان سال منتشر شد. این نکته مهم است که از ابتدا این لیست شامل چندین منظر و پارک میراث فرهنگی می‌شد؛ از جمله زمین‌های باستانی بزرگ خمر در (کامبوج) و سایت پارلمان باز قرون‌وسطایی در Thingvellir (ایسلند)، که هر دو اکنون به‌عنوان سایت‌های میراث جهانی به ثبت رسیده‌اند (Cameron and Rössler 2013). این ابتکار در اولین اجلاس جهانی IUCN با موضوع پارک‌های ملی که در سیاتل^{۳۵} واشنگتن در سال ۱۹۶۲ برگزار شد، توسعه یافت. در میان ۲۸ توصیه این اجلاس، دو توصیه مستقیماً به میراث جهانی مرتبط بودند. در حقیقت منظور از میراث جهانی بیشتر با تأکید بر میراث جهانی طبیعی بود که به‌نوعی گسترش ایده پارک‌های ملی بین‌المللی بود (Batisse and Bolla 2005).

۲.۲. ایده اتحادیه میراث جهانی (World Heritage Trust)

ایده اتحادیه میراث جهانی به سال ۱۹۶۵م و تصمیم دولت وقت آمریکا برای برگزاری اجلاس همکاری‌های بین‌المللی در کاخ سفید برمی‌گردد (Slatyer 1983, 138). برای اولین بار «جوزف فیشر»^{۴۶}، رئیس کمیته حفاظت و توسعه منابع طبیعی اجلاس، در مکالمه‌ای با «راسل ترین»^{۴۷}، رئیس بنیاد حفاظت و عضو کمیته فیشر، ایده اتحادیه میراث جهانی را مطرح می‌کند که هم شامل اموال فرهنگی و هم اماکن طبیعی می‌شد. این ایده و مفهوم توسط کمیته حفاظت و توسعه منابع طبیعی در اجلاس ۱۹۶۵م کاخ سفید مطرح و تأیید می‌شود (Batisse and Bolla 2005). کمیته فیشر چندین مفهوم ارائه داد که سرانجام بخشی از کنوانسیون میراث جهانی شدند. این کمیته در گزارشش خواستار «تهیه فهرست اولیه از مناطق و سایت‌هایی است که ممکن است مورد توجه بین‌المللی باشند» شد. در چشم‌انداز این ایده، اتحادیه میراث جهانی شامل «فقط مناطقی و سایت‌هایی می‌شد که کاملاً عالی، منحصربه‌فرد و غیرقابل جبران هستند».

۳.۲. پیگیری ابتکارات حوزه میراث فرهنگی با یونسکو

عقبه پیش‌نویس کنوانسیون یونسکو را باید در سال ۱۹۶۶م جست‌وجو کرد؛ جایی که چهاردهمین اجلاس عمومی یونسکو به مدیرکل اجازه داد «به درخواست کشورهای مربوطه امکان تنظیم یک سیستم مناسب برای حفاظت بین‌المللی برای تعدادی از بناهای تاریخی که بخشی جدایی‌ناپذیر از میراث فرهنگی بشریت را تشکیل می‌دهند، مطالعه کند» (UNESCO 1966).

نکته قابل توجه، رویکرد سیستماتیک بین‌المللی برای برقراری یک سیستم دائمی و نه موقت بود؛ نکته دیگر قابل توجه، نظریه انتخاب بود که فقط چند بنای خاص را در بر می‌گرفت.^{۴۸} در اوایل سال ۱۹۶۸م، یونسکو برای تدوین پیشنهادی برای یک سیستم بین‌المللی، میزبان جلسه‌ای از متخصصان با عنوان «جلسه کارشناسان برای همکاری، برای تهیه اصول و معیارهای فنی و حقوقی مناسب به منظور حمایت از اموال فرهنگی، آثار تاریخی و سایت‌ها» بود. گزارش نهایی حاوی مفاهیم، رویکردها و اصطلاحاتی بود که سرانجام در کنوانسیون میراث جهانی سال ۱۹۷۲م نمود پیدا می‌کند. از جمله ساختار طبقه‌بندی «بناها، مجموعه بنا و سایت‌ها» و همچنین مفهوم مناظر فرهنگی که مظهر کار ترکیبی انسان و طبیعت است، در مورد مکان‌های طبیعی، نه به دلیل اهمیت آن به عنوان اکوسیستم بلکه به دلیل ارزش‌های فرهنگی، زیبایی‌شناختی و منظرگونه، مورد توجه قرار گرفته بودند (Cameron and Rössler 2013). آنچه در گزارش نشست ۱۹۶۸م قابل توجه است، تأکید به دو سیستم حفاظت یکی در سطح ملی و دیگری در سطح بین‌المللی برای بناها و سایت‌های منتخب بود (Titchen 1995, 56). دومین نشست متخصصان دقیقاً یک سال بعد در سال ۱۹۶۹ در فاصله بین ۲۱ تا ۲۵ جولای در پاریس برگزار شد (Ibid, 57). در این نشست کارشناسان تهیه کنوانسیون یونسکو را توصیه کردند. آن‌ها مجدداً به دو ابزار تأکید کردند: توصیه برای سیستم‌های حفاظت ملی و کنوانسیون برای یک سیستم بین‌المللی؛ دقیقاً همان اتفاقی که سال ۱۹۷۲ افتاد. گزارش نهایی از این اهمیت برخوردار بود که بعداً از طریق انتشارات یونسکو توزیع شد. با توجه به نتایج نشست کارشناسان در سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۶۹م، پانزدهمین اجلاس عمومی یونسکو در سال ۱۹۷۰م پس از مطالعه نتایج جلسات، سند «مطلوبیت اتخاذ یک ابزار بین‌المللی برای حفاظت از بناها و اماکن باارزش جهانی» را مورد تأیید قرار داد و عملاً نسخه پیش‌نویس کنوانسیون یونسکو تهیه شد (Cameron and Rössler 2013).

۴.۲. مرحله نهایی شکل‌گیری کنوانسیون ۱۹۷۲

همان طور که از نظر گذشت، سه جریان موازی و بدون اطلاع از هم در حال تهیه کنوانسیون‌هایی بودند که بتواند به حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان بپردازد. اما از اوایل ۱۹۷۰م، «میشل باتیس»^{۴۹}، مدیر بخش منابع طبیعی در بخش علوم، یونسکو را از وجود پیش‌نویس IUCN و اتحادیه میراث جهانی آمریکا مطلع کرد. در این زمان دو واقعه به شکل‌گیری کنوانسیون ۱۹۷۲م شتاب بخشید. مهم‌ترین اتفاق در ژوئیه سال ۱۹۶۸م رخ داد؛ زمانی که سفیر سوئد به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (ECOSOC) پیشنهاد یک اجلاس بزرگ بین دولتی درباره سکونت‌گاه‌های انسانی را داد. در پاییز همان سال مجمع عمومی به اتفاق آرا به برگزاری این اجلاس در سال ۱۹۷۲م در

استکهلم رأی داد (Batisse and Bolla 2005). این اجلاس از آن رو مهم بود که قرار بود بسیاری از کنوانسیون‌های مهم در ارتباط با محیط‌زیست را به تصویب برساند و از سویی بسیاری از کشورها و سازمان‌های خصوصی اعلام آمادگی برای شرکت در آن کرده بودند. از همین رو فرصت مناسبی را فراهم می‌کرد تا پیش‌نویس کنوانسیون میراث جهانی در آن مورد بحث قرار گیرد یا حتی به تصویب نیز برسد. از آن طرف با روی کار آمدن ریچارد نیکسون در سال ۱۹۶۸م در آمریکا، با توجه به حساسیت‌های جامعه آن روز نسبت به محیط‌زیست، او یکی از اهداف اصلی خود را در طول ریاست‌جمهوری، مسئله محیط‌زیست مطرح کرد. از همین رو شورای کیفیت محیط‌زیست^{۵۰} به ریاست راسل ترین (پیشنهاددهنده ایده اتحادیه میراث جهانی) راه‌اندازی شد. توجهات رئیس‌جمهور آمریکا به مسئله محیط‌زیست، و به تبع آن از طریق راسل ترین، میراث جهانی، سبب شد تا رئیس‌جمهور در پیام خود به مناسبت صدمین سالگرد ایجاد پارک ملی یلو استون^{۵۱} به مسئله لزوم ایجاد سازوکاری برای حمایت بین‌المللی از مناطق منحصر به فرد بپردازد (Cameron and Rössler 2013). پیام محیط‌زیست رئیس‌جمهور آمریکا مقامات دولتی را به سمت «توسعه ابتکارات برای ارائه در مجامع بین‌المللی مناسب برای پیشبرد هدف اتحادیه میراث جهانی» ترغیب کرد. اجلاس ۱۹۷۲م محیط‌زیست استکهلم بهترین فرصت برای چنین کاری بود (Ibid).

۲. ۴. ۱. اجلاس استکهلم

در حالی که دبیرخانه اجلاس در ژنو در ابتدای سال ۱۹۷۰م چندان موضوع کاری مشخص نداشت، با ریاست «موریس استرانگ»^{۵۲} بر اجلاس، جان تازه‌ای بر دبیرخانه دمیده شد. در ابتدا فقط تصور می‌شد که یک پیشنهاد از IUCN برای کنوانسیون میراث جهانی به دبیرخانه ارسال شود، اما در نهایت سه پیشنهاد یکی از IUCN، یکی از یونسکو و دیگری پیشنهاد اتحادیه میراث جهانی آمریکا بود که به دبیرخانه ارسال شده بود. در ابتدا دبیرخانه اظهار داشت که صلاحیت بررسی پیش‌نویس یونسکو وجود ندارد، زیرا خارج از موضوعات اجلاس تلقی می‌شد و اینکه قبلاً یونسکو از طریق ارگان خود برای نظرخواهی آن را به کشورهای عضو ارسال کرده بود. عملاً این اتفاق راه را برای ارائه بسته بود و تنها می‌توانست به تأیید ختم شود. با توجه به حساسیت موضوع، اجلاس چهار کارگروه برای بررسی پیشنهادها برای اجلاس استکهلم برقرار کرد؛ یکی از این کارگروه‌ها، کارگروه حفاظت (IWGC)^{۵۳} بود. ریاست کارگروه حفاظت بر عهده اسکندر فیروز، معاون وزیر منابع طبیعی ایران، شخصی شناخته‌شده در زمینه حفاظت و مروج کنوانسیون مهم رامسر در مورد تالاب‌ها بود (Batisse and Bolla 2005). با توجه به اینکه موضوع به یک موضوع حیاتی برای یونسکو تبدیل شده بود، رئیس یونسکو، «رنه مائو»^{۵۴}، از طریق موریس استرانگ لابی‌های گسترده‌ای صورت داده بود تا با مجاب کردن IUCN به اصلاح پیش‌نویس یونسکو و گنجاندن طبیعت، همان طور که IUCN مدنظر داشت، یک متن یکپارچه به رهبری یونسکو برای تصویب به اجلاس ارسال شود. در این بین، کشور ایران از طریق فریدون هویدا به واسطه حضور در یونسکو سعی در لابی گسترده برای تصمیم یونسکو برای در اختیار گرفتن کنوانسیون میراث طبیعی و فرهنگی را داشت. اسکندر فیروز در خاطراتش در این باره بیان می‌دارد که قبل از جلسه سپتامبر نیویورک، که جلسه نهایی کارگروه حفاظت برای جلسه اجلاس استکهلم بود، فریدون هویدا از فیروز می‌پرسد که چه کسی بهتر است تا ریاست کمیته مذکور را بر عهده بگیرد و فیروز نیز پیشنهادهایی از جمله نماینده برزیل یا نماینده انگلیس را می‌دهد. اما در روز جلسه کارگروه متوجه می‌شود که فریدون هویدا با همراهی موریس استرانگ، رئیس اجلاس استکهلم، اسکندر فیروز را به ریاست کارگروه انتخاب می‌کند. او بیان می‌دارد: «استرانگ آهسته به من گفت خواهش می‌کنم در زمینه نگهداری کنوانسیون‌ها صحبتی نشود و کنوانسیون میراث جهانی در دست یونسکو باید بماند» (فیروز ۱۳۹۳، ۳۳۶). ظاهراً با لابی یونسکو و همراهی استرانگ و کشور ایران، اسکندر فیروز موفق می‌شود این مطلب را که کنوانسیون میراث جهانی یونسکو به‌عنوان کنوانسیون اصلی در اجلاس استکهلم مطرح شود، در کارگروه به تصویب برساند.

در نهایت بعد از آن جلسه، موریس استرانگ در همکاری با یونسکو و آمریکایی‌ها در چندین جلسه کاری پیش از اجلاس استکهلم، زمینه یک متن واحد از طریق یونسکو را فراهم می‌آورد و سرانجام این متن به اجلاس استکهلم ارائه می‌شود (Batisse and Bolla 2005). در نهایت در ژوئن ۱۹۷۲م، اجلاس استکهلم اعلامیه معروف در مورد

محیط‌زیست بشر را تصویب می‌کند که توصیه‌های مربوط به اقدامی که نشان می‌داد «دولت‌ها باید توجه کنند که پیش‌نویس کنوانسیون تهیه‌شده توسط یونسکو در مورد حمایت از میراث طبیعی و فرهنگی جهان، گامی مهم در جهت حفاظت، در مقیاس بین‌المللی، از محیط‌زیست است. این پیش‌نویس کنوانسیون با نظر به تصویب آن در اجلاس عمومی بعدی یونسکو مورد بررسی قرار گرفت» (Francioni 2008). بنابراین راهی برای پذیرش این کنوانسیون توسط اجلاس عمومی یونسکو در هفدهمین جلسه آن، که در اکتبر - نوامبر ۱۹۷۲م در پاریس برگزار می‌شد، فراهم شد. سرانجام متن پیش‌نویس برای تصویب در اجلاس عمومی یونسکو به کمیسیون پنجم آن ارجاع داده شد و بعد از بررسی و بحث‌های مختلف، به‌خصوص درباره نحوه مشارکت کشورها برای تأمین مالی این متن بعد از تصویب در کمیسیون به اجلاس عمومی ارجاع داده شد. در نهایت این کنوانسیون در هفدهمین اجلاس عمومی یونسکو در ۱۶ نوامبر ۱۹۷۲ با ۷۹ رأی موافق، یک رأی مخالف و ۱۶ رأی ممتنع به تصویب یونسکو می‌رسد (Cameron and Rössler 2013). در سال‌های بعد، برای اجرایی کردن کنوانسیون و همچنین راهنمای کشورهای عضو برای ثبت آثار «راهنمای اجرایی کنوانسیون»^{۵۵} منتشر شد که هر چند مدت یک بار اصلاح می‌شود و آخرین نسخه آن در سال ۲۰۱۹ منتشر شده است (UNESCO World Heritage Centre 2019).

۲.۵. جمع‌بندی وقایع منتهی به شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی

بررسی وقایع منتج به شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی نشان می‌دهد که اقدامات مؤثر در جهت شناسایی و حفاظت از میراث مشترک بشریت در دوره‌های زمانی مختلف، متأثر از زمانه خود و واکنشی نسبت به آن بوده‌اند؛ از همین رو بیشتر اقدامات در هر بازه زمانی بیش از آنکه کنشی در جهت شکل‌گیری یک اقدام مؤثر باشند، واکنشی بودند نسبت به تهدیدات این میراث مشترک در هر دوره زمانی.

در بازه زمانی قبل از جنگ جهانی اول، عمده فعالیت‌ها و اقدامات معطوف به واکنش نسبت به تهدیدات موجود در آن زمان در مورد میراث‌فرهنگی و طبیعی، چه تهدیدات برآمده از جنگ و چه جریان‌های مرمتی فاجعه‌بار، بود. براین اساس اقدامات منجر به اولین تلاش‌های بین‌المللی در جهت حفاظت از میراث مشترک شد. نکته مهم در این دوره، وجود نداشتن زیرساخت‌های بین‌المللی با هدف به ثمر نشستن اقدامات اولیه برای حفاظت از میراث مشترک بود. دستاورد این دوره معطوف به درک اولیه از میراث مشترک و خطراتی بود که می‌توانست آن‌ها را تهدید کند.

فعالیت‌های دوره بین جنگ جهانی اول و دوم در ارتباط با حفاظت از میراث مشترک در سطح بین‌المللی تحت‌تأثیر شکل‌گیری و فعالیت ارگان‌های بین‌المللی اولیه بود. تمرین سازوکارهای بین‌المللی در قالب ساختارهای نهادی سبب شد تا عملاً اقدامات گسترده در خصوص شناسایی و حفاظت از میراث مشترک بشریت صورت پذیرد. از سویی در دوره بین دو جنگ، به دلیل عواقب جنگ جهانی اول و همچنین تهدیدات وقوع جنگ بعدی، ایده محافظت از میراث اقدامات حفاظتی پیشگیرانه، نگرانی اصلی این دوره بود؛ این موضوع را می‌توان از بازبینی مقالات منتشرشده در مجله *Moussion* در طی پانزده سال دید (Mairesse 1999, 26).

در بعد از جنگ جهانی دوم با گسترش شکل‌گیری نهادها و کنوانسیون‌های بین‌المللی و همچنین توسعه تعریف میراث مشترک، که در سال‌های پیش از آن توسط جنگ یا جریان‌های مدرن تهدید شده بودند، بیشتر تحت‌تأثیر اقدامات واکنشی نسبت به عواقب تهدیدهای گذشته بود؛ البته با نگاهی به اقدامات کنشی در خصوص حفاظت از میراث مشترک در برابر تهدیدهای حاضر و آینده، با بهره‌گیری از تلاش‌هایی که پیش از آن شروع شده بود. دستاورد این تغییر نگاه، نتایج ملموسی بود که می‌توان آن را در شکل‌گیری تجارب بین‌المللی در حفاظت از میراث‌فرهنگی و طبیعی مشترک بشریت در این دوره دید.

اما در این بین، شکل‌گیری نهایی کنوانسیون میراث جهانی بیش از همه تحت‌تأثیر دو عامل بود: ۱. توجهات روزافزون آن زمان به مسئله محیط‌زیست و تهدیداتی که متوجه آن بود؛ ۲. توسعه جریان‌های مدرن در تخریب‌های گسترده جنگ جهانی دوم در عرصه فرهنگی. شاید وجه تمایز این دوره پررنگ‌تر بودن اقدامات در حوزه میراث طبیعی برای شناسایی، ثبت و حفاظت از آن در عرصه بین‌المللی به نسبت اقدامات فرهنگی بود. همین توجهات سبب شده بود تا

میراث طبیعی هم‌پای میراث فرهنگی در هنگام شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی مورد توجه قرار گیرد و کنوانسیون نقطه تلاقی این دو باشد. با توجه به مطالب بیان شده می‌توان گفت که شکل‌گیری کنوانسیون متأثر از زمان شکل‌گیری آن بود اما تلاش‌های صورت‌گرفته پیش از آن به توسعه توجه به میراث مشترک بشریت مؤثر واقع شده بود.



تصویر ۲: جدول زمانی وقایع منتهی به شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی

۳. تبیین مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی

بررسی توصیفی تاریخی وقایع مرتبط با شکل‌گیری میراث جهانی نشان می‌دهد که کنوانسیون، ماحصل یک روند تدریجی، به‌هم‌پیوسته و متکی بر مؤلفه‌های مشخصی است که در همه اقدامات بازه‌های زمانی شکل‌گیری حمایت از میراث مشترک بشریت به‌روشنی دیده می‌شود. به‌طور مشخص به ثمر نشستن کنوانسیون میراث جهانی پس از آن صورت پذیرفته که زیرساخت‌های مورد نیاز کنوانسیون در سطح بین‌المللی، توسعه و گسترش یافته است. البته تنها زیرساخت‌ها موجب شکل‌گیری کنوانسیون نبوده‌اند بلکه حمایت‌های بین‌المللی از این روند و اقدامات عملی در خصوص حمایت از میراث مشترک بشریت، جامعه بین‌الملل را قانع کرد تا این فرایند شکلی نظام‌مند به خود بگیرد. از سویی می‌توان گفت ایده اصلی شکل‌دهنده کنوانسیون میراث جهانی، حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان از طریق استقرار یک سیستم همکاری بین‌المللی با هدف کمک به کشورهای عضو برای حفاظت از این آثار است (Rao 2010, 162).

از همین رو مؤلفه‌های مشخصی را می‌توان یافت که در همه بازه‌های زمانی دیده می‌شوند و در نهایت این مؤلفه‌ها در شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی نقش اساسی بازی می‌کنند؛ مؤلفه‌هایی که بعد از شکل‌گیری کنوانسیون خود جزئی از هویت کنوانسیون را شکل می‌دهند. این مؤلفه‌های مؤثر به شرح زیر است:

۳.۱. تهدیدات

مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری خواست حمایت از میراث مشترک بشریت در گذر زمان و به‌خصوص قرن بیستم، مورد تهدید قرار گرفتن این میراث در بازه زمانی قرون ۱۹ و ۲۰ بوده است. جنگ‌های ناپلئونی در قرن ۱۹م، جنگ‌های جهانی اول و دوم و به‌تبع آن تخریب وسیع بناهای تاریخی و مراکز تاریخ شهرهای اروپایی، بیشترین نقش در شکل‌گیری توجه به مفهوم میراث مشترک و حفاظت از آن‌ها داشته است (Nedučín 2009, 144). البته گسترش مفهوم میراث و در نتیجه نمایان شدن تهدیدهای بالقوه و گسترده دیگر نسبت به مفهوم جدید میراث، حساسیت‌ها در جهت شکل‌گیری نظام حمایتی از میراث مشترک بشریت را برانگیخته کرده بود. از همین روست که گستردگی تهدیدات و در خطر قرار دادن میراث مشترک بشریت توسط آن‌ها در مقدمه کنوانسیون میراث جهانی به آن اشاره شده است (UNESCO 1972).

۳.۲. تعریف میراث

مفهوم میراث در گذر زمان دستخوش تغییرات زیادی شده است که تلاش‌های عملی حفاظت در سطح بین‌المللی در توسعه و گسترش مفهوم میراث نقش بسیار زیادی داشته‌اند. منشورهای بین‌المللی از جمله آتن و ونیز و همچنین تلاش‌های بین‌المللی برای حفاظت از میراث در هنگام جنگ، نمونه‌ای از این تلاش‌ها بودند. همین توسعه مفهوم میراث در گذر زمان سبب شد تا حمایت‌های بین‌المللی حفاظت از میراث مشترک بشریت روندی پرشتاب بگیرد، زیرا علاوه بر شناسایی گسترده تهدیدات در سایه بازتعریف میراث و نیاز به اقدام عاجل، موجب در بر گرفته شدن طیف وسیعی از میراث خارج از اروپا، از جمله معماری بومی و سایر ویژگی‌های شاخص شد که قبل از آن کمتر به چشم می‌آمد؛ به‌گونه‌ای که تعریف میراث فرهنگی از آثار تک‌بناها، مجموعه‌های معماری و محوطه‌های باستان‌شناسی به مناظر، مناطق شهری و روستایی، محیط تاریخی و حتی مکان گسترش یافته بود (Loulanski 2006) این مؤلفه بخش مهم کنوانسیون میراث جهانی را نیز شکل داده به‌گونه‌ای که بندهای اول کنوانسیون به این موضوع پرداخته و قبل از هرگونه اقدامی، ابتدا میراث فرهنگی و طبیعی تعریف شده است.

۳.۳. پیوند میراث فرهنگی و طبیعی

عمده فعالیت‌های مرتبط با میراث فرهنگی و طبیعی تا قبل از کنوانسیون میراث جهانی، به‌صورت جدا از هم و گاهی بدون اطلاع از فعالیت هر کدام، صورت می‌پذیرفته که عمده این مسئله تعریف خاص میراث در بستر زمانی بوده است. اما وقایع مرتبط با شکل‌گیری کنوانسیون، به‌خصوص چند سال منتهی به شکل‌گیری کنوانسیون، نشان می‌دهد که خواست ایجاد یک سازوکار یکپارچه برای حفاظت و شناسایی از میراث فرهنگی و طبیعی عامل مهمی در شکل‌گیری

کنوانسیون به صورت فعلی بوده است. جایی که IUCN و هیئت آمریکایی با ایده اتحادیه میراث جهانی، بیشترین نقش را در شکل‌گیری کنوانسیون داشته‌اند و مهم‌ترین ایده آن‌ها برای این سازوکار، پارک‌های ملی بودند که در آمریکا سابقه طولانی داشت و IUCN نیز از این ایده حمایت می‌کرد (Leitao 2011, 179). البته در ابتدای شکل‌گیری این کنوانسیون همچنان شکاف بین میراث فرهنگی و طبیعی وجود داشت، اما در ادامه این شکاف‌ها با در نظر گرفتن مناظر فرهنگی به عنوان گونه جدیدی از تعریف میراث، که نمود پیوند میراث فرهنگی و طبیعی بود، به خوبی ترمیم شد (Inanloo Dailoo and Pannekoek 2008). مناظرهای فرهنگی، آثار فرهنگی‌اند و نماینده «تلفیقی از فعالیت‌های انسان و طبیعت» که در بند اول کنوانسیون میراث جهانی به آن اشاره شده است؛ این مناظرها نشان‌دهنده تکامل جامعه بشری و سکونت انسان در گذر زمان و تحت تأثیر محیط طبیعی پیرامون خود هستند.

۳.۴. شناسایی و ثبت میراث مشترک بشریت در قالب فهرست میراث جهانی

بررسی تاریخی نشان می‌دهد که مرکزیت تمام فعالیت‌های حفاظت بین‌المللی، شناسایی و فهرست‌بندی آثار است که به عنوان میراث مشترک بشریت شناخته می‌شوند. البته تلاش‌های گسترده در دوره‌های زمانی مختلف به دلایلی از جمله نبود زیرساخت‌های نهادی و قانونی، عدم تعریف مشخص میراث و عدم مشارکت دولت‌ها، هیچ‌گاه نتوانست فهرستی از آثار میراث مشترک بشریت برای حفاظت و مدیریت آن‌ها تهیه کند؛ اما نکته مهم این است که خواست شکل‌گیری فهرست از میراث مشترک بشریت مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی داشته است؛ از همین روست که مرکزیت کنوانسیون، فهرست میراث جهانی است.

۳.۵. ساختارهای داخلی اعم از قوانین و ارگان‌های مرتبط با حفاظت در کشورهای مختلف برای شناسایی، حفاظت و مدیریت آثار

کنوانسیون میراث جهانی بر پایه ساختارهای نهادی و قانونی هر کشور عضو با هدف شناسایی، مدیریت و حفاظت از میراث جهانی شکل گرفته است (ماده ۴ و ۵) (UNESCO 1972). این امر نشان می‌دهد که مهم‌ترین هدف شکل گرفته در سطح بین‌المللی، توسعه امر حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی در سطح همه کشورها و توانمندسازی آن‌ها به منظور مدیریت آثار کلی آن و نه تنها میراث جهانی‌شان است؛ امری که در گذر زمان تا زمان کنوانسیون میراث جهانی و از انتهای قرن ۱۹م به مرور با توسعه نهادهای حفاظتی و شکل‌گیری قوانین حفاظتی در کشورهای مختلف، راه را برای همکاری‌های بین‌المللی در حوزه حفاظت باز کرد و این ساختارهای حفاظتی داخلی کشورها بود که زیرساخت لازم برای شکل‌گیری کنوانسیون را فراهم کرد و تنها زمانی ایده میراث مشترک بشریت توانست شکلی عملی به خود بگیرد که این زیرساخت‌ها در کشورهای مختلف توسعه پیدا کرد.

۳.۶. شکل‌گیری ارگان‌های بین‌المللی مرتبط با حفاظت

با شکل‌گیری نظم نوین جهانی در قرن بیستم و تمرین مجدد آن به وسیله شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی مرتبط با کشورها چه قبل از جنگ جهانی دوم در قالب جامعه ملل و چه بعد از آن در قالب سازمان ملل سبب شد تا علاوه بر حمایت از شکل‌گیری فعالیت‌های بین‌المللی مرتبط با حفاظت به خصوص در مورد میراث مشترک در قالب نهادی، بسیاری از ارگان‌های دیگر از جمله انجمن‌ها و نهادهایی را که به صورت جداگانه در ارتباط با حفاظت فعالیت می‌کردند، تحت پوشش قرار دهد و این مسئله تأثیر مهمی در شکل‌گیری حمایت بین‌المللی در قالب حمایت‌های مادی، فنی، تخصصی و سیاسی از میراث مشترک بشریت در گذر زمان داشت. همین ارگان‌های بین‌المللی بودند که پس از سال‌ها تلاش برای شناسایی میراث مشترک، پایه‌گذار کنوانسیون میراث جهانی بودند و اساس کار کنوانسیون در سطح بین‌المللی نیز بر همین ارگان‌ها استوار است؛ ارگان‌هایی همچون IUCN، ایکوموس، ایکروم، ایکوم و ...

۳.۷. حمایت‌های بین‌المللی از حمایت، حفاظت و مدیریت از آثار در سطح جهان

حمایت‌های بین‌المللی از حفظ میراث مشترک در سطح بین‌المللی را می‌توان از ابتدای قرن بیستم و با فعالیت SPAB دید؛ اما این حمایت در طول این مدت (ابتدای قرن بیستم تا کنوانسیون میراث جهانی) شکل ثابت نداشته و بسته به گسترش تعریف میراث و روش‌های فکری مرتبط با میراث و در سایه تهدیدات و نگرانی‌های هر بازه زمانی، متفاوت

بوده است و به نوعی منجر به گسترش ابزارهای بین‌المللی و متون مرتبط با میراث، به‌ویژه میراث‌فرهنگی شده است (Blake 2000, 62). این حمایت‌ها حتی در کنوانسیون نیز راه یافته است.

حمایت‌های بین‌المللی را می‌توان به چند دسته مشخص تقسیم کرد: الف. حمایت‌های علمی، فنی و تخصصی در قالب منشورها، بیانیه‌ها و کنوانسیون‌ها؛ ب. حمایت‌های مادی و اقتصادی برای حمایت از حفظ میراث مشترک؛ ج. حمایت‌های سیاسی که نمونه بارز آن را می‌توان در تلاش‌های آمریکا برای شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی دید.

۸.۳. جمع‌بندی

در جدول زیر مؤلفه‌های شکل‌دهنده کنوانسیون میراث جهانی در هر بازه زمانی و معیار کلیدی آن‌ها در گذر زمان بیان شده است. شایان ذکر است که معیار کلیدی در هر ستون به وضعیت هر مؤلفه مؤثر بر شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی در بستر زمانی منتهی به شکل‌گیری کنوانسیون اشاره دارد و در هر سطر نیز به وضعیت توجه به میراث مشترک بشریت در هر بازه زمانی می‌پردازد.

جدول ۲: تبیین مؤلفه‌های شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی در بستر زمانی

مؤلفه‌ها	تهدیدات	تعریف میراث	پیوند میراث‌فرهنگی و طبیعی	معیار کلیدی
بازه زمانی				
بازه زمانی قبل از جنگ جهانی اول	مرمت سبکی، تخریب جنگ‌های ناپلئونی، غارت آثار تاریخی	میراث‌فرهنگی: تک‌بنا و آثار شاخص میراث طبیعی: زیستگاهها با همه موجودات در آن	جدایی اقدامات حفاظت از میراث‌فرهنگی و طبیعی	معیار کلیدی
بازه زمانی بین جنگ جهانی اول و دوم	تخریب‌های صورت گرفته به‌وسیله جنگ جهانی اول	میراث‌فرهنگی: تک‌بنا و محوطه‌های پیرامون آن‌ها و محوطه‌های باستانی میراث طبیعی: منظره‌های طبیعی	جدایی اقدامات حفاظت از میراث‌فرهنگی و طبیعی	
بازه زمانی بعد از جنگ جهان دوم و کنوانسیون میراث جهانی ۱۹۷۲	تخریب‌های جنگ جهانی دوم، تهدید به‌وسیله توسعه نامتوازن از بین رفتن محیط زیست و مراکز تاریخی شهرها به‌دلیل توسعه و...	میراث‌فرهنگی: تغییر نگرش از بناهای منفرده به مکان‌های گسترده شهری و روستایی و مناظر پیرامون آن‌ها و مجموعه‌های شهری و محوطه‌های باستانی میراث طبیعی: ایده پارک‌های ملی	آغاز نگاه حفاظتی مشترک به میراث‌فرهنگی و طبیعی	
				گسترده‌گی و جامع شدن تهدیدات در طی زمان به‌دلیل مواجیه با تهدیدات جدید و گسترش مفهوم میراث
				جامعیت درک از میراث و در نتیجه توسعه تعریف میراث به‌طور عام و میراث مشترک بشریت به‌طور خاص
				شکل‌گیری خواست ایجاد سازوکار حفاظتی از میراث مشترک در قالب حفاظت توانان از میراث طبیعی و فرهنگی
				محوریت تلاش‌های حفاظت از میراث مشترک بشریت در شکل‌گیری فهرستی از این آثار به جهت حفاظت در گذر زمان

معیار کلیدی	حمایت‌های بین‌المللی از حفاظت، حمایت و مدیریت آثار در سطح جهان	شکل‌گیری ارگان‌های بین‌المللی در ارتباط با حفاظت	ساختارهای داخلی در کشورهای مختلف
درک اولیه از میراث مشترک بشریت و خطرهایی که می‌تواند آن‌ها را تهدید کند.	شکل‌گیری اولین حمایت‌های بین‌المللی از میراث فرهنگی و طبیعی	تلاش‌های بی‌نتیجه در شکل‌گیری ارگان‌های بین‌المللی حفاظت	شکل‌گیری اولین ساختارهای حمایتی در کشورهای مختلف به‌خصوص در اروپا
گسترش مفهوم میراث مشترک بشریت در سایه شکل‌گیری اولین نهادهای بین‌المللی و حمایت‌های بین‌المللی در خصوص حفاظت	توسعه حمایت‌های بین‌المللی از میراث فرهنگی و طبیعی با شکل‌گیری نهادهای اولیه بین‌المللی در خصوص حفاظت	شکل‌گیری نهادهای اولیه و به‌تبع آن نهادهای مرتبط با حفاظت	گسترش شکل‌گیری ساختار حمایتی از میراث فرهنگی و طبیعی در کشورهای مختلف به‌خصوص در آمریکا جنوبی و مرکزی و آسیا
توسعه ساختارهای حفاظت از میراث مشترک بشریت از جمله قوانین، منشورها، توصیه‌نامه‌ها و نهادهای بین‌المللی و مشارکت عملی بین‌المللی برای حفاظت از این میراث	اقدام عملی بین‌المللی حفاظت از میراث مشترک بشریت در کنار توسعه حمایت‌های بین‌المللی با گسترش منشورها، توصیه‌نامه‌ها و معاهدات بین‌المللی و گسترش نهادهای بین‌المللی مرتبط با حفاظت	ایجاد و جایگزینی نهادهای به‌جامانده قبل از جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری نهادهای حفاظتی امروزی	قوام ساختارهای حمایتی به‌خصوص قوانین حفاظتی و ساختارهای نهادی در کشورهای مختلف
	شکل‌گیری حمایت‌های بین‌المللی در همه جنبه‌های آن هم‌زمان با توسعه درک میراث مشترک بشریت توسط دولت‌ها و مردم و همچنین متخصصان در طول زمان	شکل‌گیری ارگان‌های حفاظتی بین‌المللی ارتباطی مستقیم با شکل‌گیری رژیم نظام‌مند بین‌المللی در همه سطوح داشته و خود از عوامل اصلی شکل‌گیری کنوانسیون‌های محسوب می‌شود.	گسترش مفهوم حفاظت در قالب ساختارهای نهادی و قانونی در داخل کشورها و فعال شدن این مؤلفه به‌عنوان مهم‌ترین زیرساخت شکل‌گیری کنوانسیون

بررسی جدول ۲ نشان می‌دهد که محور تلاش‌های حفاظتی از ابتدای قرن بیستم تا زمان شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی، همواره حفاظت از دارایی‌های فرهنگی و طبیعی مشترک جهانیان بوده و به‌تبع آن، شناسایی میراث مشترک بشریت در قلب این فعالیت‌ها جای داشته است. شناسایی دارایی‌های فرهنگی و طبیعی در بستر زمانی، متأثر از تعریف میراث و تهدیدهای بالقوه نسبت به این میراث در دو زمینه متفاوت فرهنگی و طبیعی جداگانه پیگیری می‌شده است؛ این زمینه متفاوت در سال‌های بعد جایش را به خواست ایجاد یک فهرست مشترک از میراث فرهنگی و طبیعی داد. از همین رو می‌توان گفت شناسایی آثار تحت سه عامل مهم تعریف میراث، تهدیدها و پیوند آثار فرهنگی و طبیعی در بستر زمانی قرار داشته و این مؤلفه نیز به‌عنوان محور به‌عنوان میراث جهانی راه یافته است. اما هدف اصلی، حفاظت از این آثار بوده و شناسایی آن‌ها علاوه بر جنبه‌های متعدد، بر اصل حفاظت از آن‌ها استوار بوده است. بررسی تاریخی نشان می‌دهد که تلاش‌های حفاظت از میراث مشترک در سطح بین‌المللی تحت‌تأثیر سه مؤلفه بوده است: ساختارهای داخلی حفاظتی کشورها (اعم از قوانین و نهادها)، ارگان‌های بین‌المللی حفاظتی و حمایت‌های بین‌المللی از

این آثار، معیارهای کلیدی در جدول ۲، هم در بخش هر مؤلفه در بستر زمانی و هم در اقدامات کلی بستر زمانی، نشان می‌دهد که علت موفق نبودن تلاش‌های بین‌المللی در شکل‌گیری فهرست میراث جهانی تا زمان کنوانسیون میراث جهانی، وجود نداشتن زیرساخت برای شناسایی، حفاظت و مدیریت این آثار بوده است؛ زیرساخت‌هایی که تحت‌تأثیر سه مؤلفه مذکور است. از همین رو لایه حفاظتی آثار شناسایی شده یا در حال شناسایی (همه آثار عام یک کشور) به‌منظور قرارگیری در فهرست میراث جهانی خود، از همین سه مؤلفه مذکور شکل گرفته است؛ به ترتیبی که مهم‌ترین نقش لایه حفاظتی را ساختارهای داخلی به‌عنوان نزدیک‌ترین لایه به آثار بازی می‌کند و سپس ارگان‌های بین‌المللی و در نهایت حمایت‌های بین‌المللی. این رابطه را می‌توان در مدل مفهومی زیر دید.



تصویر ۳: مدل مفهومی ارتباط مؤلفه‌های شکل‌دهنده کنوانسیون میراث جهانی با هم

نتیجه

کنوانسیون میراث جهانی، عطف تلاش‌های بین‌المللی برای حفاظت از میراث مشترک بشریت است. این کنوانسیون حاصل تلاش‌ها برای شناسایی و تعریف میراث فرهنگی و طبیعی مشترک بشریت و سعی در حفاظت از آن‌هاست. بررسی وقایع منجر به شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی نشان می‌دهد که شکل‌گیری کنوانسیون بیش از همه متأثر از زمانه خود است اما تلاش‌های صورت‌گرفته پیش از آن برای قانون‌مند کردن حفاظت و شناسایی میراث مشترک، به شکل‌گیری کنوانسیون کمک شایانی کرده است. نکته قابل توجه در کنوانسیون، مؤلفه‌هایی است که در شکل‌گیری آن مؤثر بوده است. بررسی این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها به‌طور مشخصی نیز با هم در ارتباط‌اند. این مؤلفه‌ها فقط در شکل‌گیری کنوانسیون میراث جهانی مؤثر واقع نشده‌اند بلکه امروزه نیز این کنوانسیون هنوز تحت‌تأثیر مستقیم آن‌هاست. همچنان تهدیدهای بالقوه در مورد میراث مشترک بشریت وجود دارد. توسعه مفهوم میراث مشترک را می‌توان در طی سال‌های بعد از شکل‌گیری کنوانسیون دید و پیوند میراث فرهنگی و طبیعی در سال‌های بعد از شکل‌گیری کنوانسیون نه تنها عینیت بخشیده شده بلکه تقویت نیز گردیده است. در خصوص چهارچوب‌های حفاظتی نیز این چهارچوب‌ها اعم از ساختارهای حفاظتی داخلی، ارگان‌های بین‌المللی و حمایت‌های بین‌المللی به‌عنوان بازوهای اصلی در حفاظت از میراث مشترک در قالب کنوانسیون میراث جهانی عمل می‌کنند. البته چالش‌های فراوانی در طی سال‌های گذشته، کنوانسیون و مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری آن را تحت‌تأثیر قرار داده است؛ برای مثال در ایران در

دوره‌های مختلف، تهدیدهای متوجه میراث مشترک بازخوردهای متفاوتی از کنوانسیون را به همراه داشته است؛ از جمله جنگ تحمیلی، یا نمود بارز آن در زلزله بم که منجر به حمایت‌های بین‌المللی از منظر فرهنگی بم شده بود. این بازخوردها را به‌نوعی می‌توان تقویت جایگاه کنوانسیون و مؤلفه‌های شکل‌دهنده آن دانست. البته در دوره‌های مختلف این امر بدین صورت نبوده است؛ مثلاً در جنگ‌های خاورمیانه و به‌ویژه ظهور داعش، عملاً کنوانسیون میراث جهانی به چالش کشیده شده بود. از آنجا که بررسی این موارد خود به تحقیق مفصل نیاز دارد، می‌توان جایگاه مؤلفه‌های شکل‌دهنده کنوانسیون میراث جهانی را در تضمین ادامه راه کنوانسیون در پژوهش‌های بعدی بررسی کرد.

پی‌نوشت‌ها

1. The Convention concerning the Protection of World Cultural and Natural Heritage

برای مطالعه بیشتر در خصوص کنوانسیون میراث جهانی به آدرس <https://whc.unesco.org/en/convention> مراجعه کنید.

۲. کنوانسیون‌ها به‌دلیل پذیرش توسط کشورهای عضو، ابزارهایی در جهت توسعه قوانین بین‌المللی هستند. کنوانسیون میراث جهانی نیز یکی از ابزارهای قانونی بین‌المللی است که توسط کشورهای عضو کنوانسیون مورد پذیرش واقع شده است. این کنوانسیون به‌دلیل پرداختن به موضوع شناسایی، ثبت و حفاظت از میراث‌فرهنگی و طبیعی جهان، تنها ابزار قانونی موجود در عرصه بین‌المللی است که به این موضوع می‌پردازد و البته کنوانسیون‌ها، منشورها و توصیه‌نامه‌های مرتبط با موضوع میراث مشترک بشری نیز در این کنوانسیون محترم شمرده می‌شود.

3. Eugène Viollet-le-Duc

4. Karl Friedrich Schinkel

5. George Gilbert Scott

6. SPAB (Society for the Protection of Ancient Building)

7. Ferdinand

8. Brussels

9. Florence

10. Nuremberg

11. Oxford

12. Paris

13. Rome

14. Rothenberg

15. Venice

16. Paul Sararsin

17. Lier

18. Wies

19. Dinant

20. Antwerp

21. League of Nations

22. Treaty of Versailles 1919

23. International Committee on Intellectual Cooperation

24. Henri Bergson

25. Albert Einstein

26. Marie Curie
27. Paul Valéry
28. International Institute of Intellectual Co-operation
29. Henri Focillon
30. International Museums Office
۳۱. در سال ۱۹۲۶، سازمان همکاری‌های فکری متشکل از کمیته‌های ملی، کمیته بین‌المللی همکاری‌های فکری، مؤسسه بین‌المللی همکاری فکری و دفتر موزه‌های بین‌الملل، در جامعه ملل شکل گرفت.
32. Roerich Pact
33. Pieter Gerbrand Van Tienhoven
34. International Office for the Protection of Nature
35. Harold J. Coolidge
36. International Union for Conservation of Nature (IUCN)
37. Warsaw
38. Dresden
۳۹. بند ۱ اساسنامه یونسکو، پاراگراف اول.
40. International Council of Museums (ICOM)
41. International Centre for the Study of the Preservation and Restoration of Cultural Property (ICCROM)
42. International Council on Monuments and Sites (ICOMOS)
43. World Heritage Trust
44. United Nations Economic and Social Council
45. Seattle
46. Joseph L. Fisher
47. Russell E. Train
48. Resolution 3.3411, 14th session of the UNESCO general conference
49. Michel Batisse
50. Council on Environmental Quality
51. Yellow Stone
52. Maurice Strong
53. Intergovernmental Working Group on Conservation
54. René Maheu
55. The Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention

منابع

- تویسرکانی، مجتبی. ۱۳۸۴. ایران و جامعه ملل. تاریخ روابط خارجی، ش. ۲۴-۲۵: ۱۰۳-۱۲۴.
- حیدری، شاهین. ۱۳۹۵. درآمدی بر روش تحقیق در معماری. تهران: فکر نو.
- فیروز، اسکندر. ۱۳۹۳. خاطرات فیروز اسکندر - دو دهه تلاش برای حفظ طبیعت و محیط‌زیست ایران. تهران: تدبیر روشن.
- یوکیلهتو، یوکا. ۱۳۸۷. تاریخ حفاظت معماری. ترجمه محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری. تهران: روزنه.
- Albert, M. T., and B. Ringbeck. 2015. *40 Years World Heritage Convention: Popularizing the*

- Protection of Cultural and Natural Heritage (Heritage Studies)*. Berlin: De Gruyter. <https://doi.org/10.1515/9783110424409>
- Batisse, M., and G. Bolla. 2005. *The Invention of "World Heritage" (Issue 2)*. Paris: Unesco-Association of Former Unesco Staff Members.
- Bernard, C. J. 1948. *International Union for the Protection of Nature established at Fontainebleau, 5 October 1948*. In IUCN. <https://portals.iucn.org/library/sites/library/files/documents/1948-001.pdf>
- Blake, J. 2000. On Defining the Cultural Heritage. *The International and Comparative Law Quarterly* 49(1): 61–85.
- Bont, R. De. 2015. "Primitives" and Protected Areas : International Conservation and the "Naturalization" of Indigenous People , ca . 1910-1975. *Journal of the History of Ideas* 76(2): 215–236. <http://www.jstor.com/stable/43948735>
- Cameron, C., and M. Rössler. 2013. *Many voices, one vision: The early years of the World Heritage Convention*. London: Routledge.
- Duedahl, P. 2016. *A History of UNESCO: Global Actions and Impacts*. Palgrave Macmillan. <https://doi.org/10.1007/978-1-137-58120-4>
- Elliott, M. A., and V. Schmutz. 2012. World heritage: Constructing a universal cultural order. *Poetics* 40(3): 256–277. <https://doi.org/10.1016/j.poetic.2012.03.003>
- Francioni, F. 2008. *The 1972 World Heritage Convention. A Commentary*. New York: Oxford University Press. <https://doi.org/10.1628/000389209788075275>
- Gillespie, A. 2008. *Protected Area and International Environment Law*. Boston: Leiden.
- Hague (IX) Convention concerning Bombardment by Naval Forces in Time of War. 1907. In The Second Hague International Peace Conference (entry into force 26 January 1910) (Issue October).
- Hanna, B. 2017. *Innovation in conservation - A timeline history of Australia ICOMOS and the Burra Charter (Issue May)*. Australian ICOMOS. <https://doi.org/10.13140/RG.2.2.11427.66081>
- ICOMOS. 1964. International Charter for The Conservation and Restoration of Monuments and Sites (The Venice Charter 1964).
- Inanloo Dailoo, S., and F. Pannekoek. 2008. Nature and culture: A new world heritage context. *International Journal of Cultural Property* 15(1):25–47. <https://doi.org/10.1017/S0940739108080077>
- Jokilehto, J. 2011. ICCROM and the Conservation of Cultural Heritage-a History of the Organization's first 50 years, 1959-2009. *ICCROM Conservation Studies* 11: 1–198.
- League of Nations. 1921. Resolution of Organisation of intellectual work. https://libraryresources.unog.ch/ld.php?content_id=31405464
- League of Nations. 1923. Minutes of the second session- committee on intellectual co-operation. https://biblio-archive.unog.ch/Dateien/CouncilMSD/C-570-M-224-1923-XII_EN.pdf
- League of Nations. 1930. The International Institute of Intellectual Co-operation. https://libraryresources.unog.ch/ld.php?content_id=31390699
- Leitao, L. 2011. The protection of World Heritage Settlements and their surroundings: Factors affecting management policy and practice. PhD diss., The University of Edinburgh.

- Loulanski, T. 2006. Revising the Concept for Cultural Heritage: The Argument for a Functional Approach. *International Journal of Cultural Property* 13(2): 207–233. <https://doi.org/10.1017/S0940739106060085>
- Mairesse, F. 1999. The Family Album. *Museum International* 1(1): 25–30.
- Melman, B. 2020. *Empires of Antiquities: Modernity and the Rediscovery of the Ancient Near*. New York: Oxford University Press.
- Meskell, L. 2013. Challenging the Economic and Political Order of International Heritage Conservation. *Current Anthropology* 54(4). <https://doi.org/10.1086/671136>
- Nedučín, D. 2009. International Documentation on World Heritage Protection – A Review. *Građevinsko – Arhitektonski Fakultet U Nišu Nauka + Praksa* 12(1): 143–146.
- Project of an International Declaration Concerning the Laws and Customs of War, Adopted by the Conference of Brussels, August 27, 1874. 1907. *The American Journal of International Law* 1(2): 96–103. <https://doi.org/10.2307/2212371>
- Rao, K. 2010. A new paradigm for the identification, nomination and inscription of properties on the World Heritage List. *International Journal of Heritage Studies* 16(3): 161–172. <https://doi.org/10.1080/13527251003620594>
- Sandholtz, W. 2007. *Prohibiting Plunder: How Norms Change*. New York: Oxford University Press.
- Slatyer, R. O. 1983. The origin and evolution of the World Heritage Convention. *Ambio* 12(3–4): 138–140. <https://doi.org/10.2307/4312900>
- Talbot, L. M. 1983. IUCN in Retrospect and Prospect Stable. *Environmental Conservation* 1(1): 5–11.
- Titchen, S. M. 1995. On the construction of outstanding universal value. UNESCO's World Heritage Convention and the identification and assessment of cultural places for inclusion in the World Heritage List. Phd diss., Australian National university. <https://doi.org/10.25911/5D78D84DD1746>
- UNESCO. 1954. Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict with Regulations for the Execution of the Convention 1954. http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL_ID=13637&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html
- UNESCO. 1956. Recommendation on International Principles Applicable to Archaeological Excavations. http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL_ID=13062&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html
- UNESCO. 1960. Recommendation concerning the Most Effective Means of Rendering Museums Accessible to Everyone. http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL_ID=13063&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html
- UNESCO. 1962. Recommendation concerning the Safeguarding of Beauty and Character of Landscapes and Sites: UNESCO. http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL_ID=13067&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html
- UNESCO. 1964. Recommendation on the Means of Prohibiting and Preventing the Illicit Export, Import and Transfer of Ownership of Cultural Property: UNESCO. http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL_ID=13083&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html
- UNESCO. 1966. 14th General Conference Report. <https://atom.archives.unesco.org/14th-general-conference>

- UNESCO. 1968. Recommendation concerning the Preservation of Cultural Property Endangered by Public or Private works. http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL_ID=13085&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html
- UNESCO. 1972. Convention Concerning The Protection of The World Cultural and Natural Heritage. In UNESCO (Issue november). <https://whc.unesco.org/en/conventiontext/>
- UNESCO World Heritage Centre. 2019. Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention (Issue July). <http://whc.unesco.org/archive/opguide08-en.pdf>
- Vukotic, S. 2016. International Institute of Intellectual Cooperation - League of Nations: Intellectual Cooperation. United Nations Library & Archives Geneva. <https://libraryresources.unog.ch/lonintellectualcooperation/IIIC>
- WÖBSE, A. K. 2011. "The world after all was one": The International Environmental Network of UNESCO and IUPN, 1945-1950. *Contemporary European History* 20(3): 331-348. <https://doi.org/10.1017/S096077731>
- URL_1: States Parties - UNESCO World Heritage Centre. (n.d.). <https://whc.unesco.org/en/statesparties/> (accessed September 26, 2021)
- URL_2: SPAB History. (n.d.). <https://www.spab.org.uk/about-us/spab-history> (accessed December 4, 2019)
- URL_3: Recommendations of the Madrid Conference (1904). (n.d.). https://www.getty.edu/conservation/publications_resources/research_resources/charters/charter01.html (accessed December 4, 2019)
- URL_4: Treaties, States parties, and Commentaries - Brussels Declaration, 1874. (n.d.). <https://ihl-databases.icrc.org/ihl/INTRO/135> (accessed December 27, 2019)
- URL_5: The Athens Charter for the Restoration of Historic Monuments 1931. (1931). <https://www.icomos.org/en/167-the-athens-charter-for-the-restoration-of-historic-monuments> (accessed December 27, 2019)
- URL_6: UNESCO Constitution. (n.d.). <https://www.unesco.org/en/legal-affairs/constitution> (accessed December 27, 2019)

■ Timeline of the Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage

Mohammad-Reza Mahmoodi Qozhdi

Ph.D. candidate, Architectural Conservation, Faculty of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran

Mohammad-Hassan Talebian

Associate Professor, Faculty of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran

Rasool Vatan-doust

Assistant Professor, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Ministry of Cultural Heritage, Tourism, and Handicrafts

One of the most important international tools for conserving, identifying, and managing humanity's shared heritage is the World Heritage Convention of 1972. This convention is the outcome of years of international efforts to safeguard humanity's shared heritage. Several factors have influenced the processes of the convention over time. These factors aid in understanding the primary purpose of the convention and, eventually, the proper direction for its policies. The present paper presents a descriptive-historical study of the events surrounding the development of the World Heritage Convention through three periods (early twentieth century until World War I, World War I to World War II, and post-World War II until the adoption of the World Heritage Convention in 1972) to identify and explain the factors that influenced it. The findings reveal that conserving humanity's shared heritage has been the basis of all efforts since the convention's adoption. Identification of heritage properties has been at the center of these efforts and has followed three factors: threats, heritage definition, and the link between cultural and natural heritage. According to historical studies, the conservation of this shared heritage is based on three components: each country's internal conservation structures (including laws and institutions), international conservation bodies, and international financial assistance.

Keywords: World Heritage Convention, shared heritage, cultural heritage, natural heritage